

## تحلیل جامعه‌شناختی هویت حرفه‌ای دانشجویان مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران

حمید حیدری<sup>۱</sup>

احمد رضایی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۱

### چکیده

این مقاله با مطالعه وضعیت امروز دانشگاه‌های ایران از طریق تحقیق درباره احوالات زندگی دانشجویی، سعی دارد ابعاد هویت حرفه‌ای دانشجویان را بررسی نماید. هویت حرفه‌ای یک هویت اجتماعی است و در ارتباط با دیگران و از طریق یادگیری و آموزش عملی و تجارب حرفه‌ای ایجاد می‌شود. برای دانشجویان، آغاز رسمی حرفه اجتماعی، همزمان است با آغاز مطالعات که از طریق آموزش‌های عملی مربوط به رشته تحصیلی، شکل‌گیری هویت حرفه‌ای آنها تشدید و تقویت می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، هویت حرفه‌ای دانشجویان دارای دو بعد هویت علمی و هویت شخصی است. هویت علمی دانشجویان از طریق گرایش‌ها و نگرش‌ها و نیز تلاش‌ها و کنش‌های علمی دانشجویان شکل می‌گیرد. هویت شخصی نیز درک و تصویری است که دانشجو از خودش به عنوان یک کنشگر علمی و در محیط دانشگاهی به دست می‌آورد. همچنین توسعه هویت حرفه‌ای با موقعیت فرد در درون جامعه در ارتباط است؛ از این رو، جنس، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، حمایت‌های خانواده و دوستان، محیط و شبکه‌های اجتماعی فرد در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای وی مؤثرند. واژگان کلیدی: هویت حرفه‌ای، هویت شخصی، هویت اجتماعی، زندگی دانشجویی، نظریه مبنایی.

## بیان مسئله

رشد سریع تعداد دانشجویان، گسترش برنامه‌های آموزش عالی و این مطلب که به‌رغم برخی فعالیت‌ها، تلاش‌ها و اقدام‌های صورت گرفته، هنوز نظام مناسبی برای ارزیابی آموزش عالی در ایران استقرار نیافته و سازوکارهای نهادینه کافی برای بهبود مداوم و تضمین کیفیت آموزش عالی ایران، پاسخگویی عمومی به آن و تأمین انتظارات ذی‌نفعان و مشتریان (دانشجویان، خانوارها، استخدام‌کنندگان و به‌کارگیرندگان تولیدات و خدمات تخصصی دانشگاهی) وجود ندارد، مسئله نگران‌کننده‌ای است (فراستخواه، ۱۳۸۷: ۶۸)؛ از این رو پژوهشگران متعددی (شارع‌پور و فاضلی، ۱۳۸۹؛ فاضلی، ۱۳۸۶؛ آزاد ارمکی، ۱۳۷۸؛ کوثری، ۱۳۷۷)، با بررسی وضعیت علوم و رشته‌های تحصیلی در دانشگاه و نیز بررسی ساختارهای آموزش عالی (فاضلی، ۱۳۸۳؛ فراستخواه، ۱۳۸۷؛ فاضلی، ۱۳۸۴؛ زارعی متین و توره، ۱۳۸۶) تلاش کرده‌اند تا مسائل نظام دانشگاهی در ایران را تحلیل و تبیین کنند. این پژوهش‌ها عوامل متعددی را به عنوان مشکلات نظام دانشگاهی ایران در برخی رشته‌ها برشمرده‌اند. از جمله عواملی که درون یک پارادایم علمی مطرح می‌شوند، ضعف نهاد علم و سازمان علمی، ضعف مدیریت علمی و تمرکزگرایی در زمینه برنامه‌ریزی درسی، گزینش نامناسب دانشجو، ضعف ارتباط‌ها و مبادله‌های علمی بین مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی، ضعف ارتباط استاد و دانشجو، وضعیت استادان و دانشجویان، ضعف ارتباط دانشگاه و مراکز اجرایی و غیره بوده است (شارع‌پور و فاضلی، ۱۳۸۹: ۳).

یافته‌های پژوهش شارع‌پور و همکارانش (۱۳۸۰)، گویای آن است که شایستگی‌های کانونی دانشجویان (ویژگی‌هایی که باید همه دانشجویان آموزش عالی در همه رشته‌ها دارا باشند) بسیار پایین و ضعیف است. به عنوان نمونه دانشجویان در رابطه با شناخت و عمل به عناصر رفتار سازمانی ۶۱/۷ درصد؛ در شایستگی داشتن انتظاراتی شغلی معقول ۴۹/۵ درصد؛ در شایستگی حل مسئله ۵۵/۶ درصد، در شایستگی توانایی برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات ۶۵ درصد، علاقه به رشته تحصیلی و درک مثبت و جهت‌گیری مثبت نسبت به رشته تحصیلی ۶۸/۹ درصد و آشنایی با ابعاد گوناگون رشته تحصیلی ۴۵/۲ درصد؛ داشتن فهم فرهنگی ۶۲ درصد؛ توانایی برنامه‌ریزی و سازماندهی فعالیت‌های شخصی ۶۳/۳ درصد؛ و آشنایی با ابزارهای تولید و اشاعه دانش ۵۹ درصد کل نمره را کسب کرده‌اند. همچنین ۵۲ درصد دانشجویان توانایی خود را در زمینه جمع‌آوری، سازماندهی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، ضعیف و خیلی ضعیف دانسته‌اند (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۰: ۸۰-۷۷).



بر اساس نتایج تحقیق حسین چاری و فداکار (۱۳۸۴)، میزان مهارت‌های ارتباطی - اجتماعی در میان دانشجویان ۷۱ درصد بوده که در مقایسه با دانش‌آموزان (۶۶ درصد)، بیانگر آن است که مهارت‌های ارتباطی - اجتماعی دانشجویان در سطح پایینی قرار دارد و دانشگاه در فرایند رشد مهارت‌های ارتباطی دانشجویان تأثیری نداشته است. همچنین نتایج تحقیق نصرت‌آبادی و همکارانش (۱۳۸۹)، گویای آن است که در میان دانشجویان یکپارچگی اجتماعی ۵۷ درصد، پذیرش اجتماعی ۴۲ درصد، مشارکت اجتماعی ۷۱ درصد، شکوفایی اجتماعی ۵۹ درصد و انسجام اجتماعی ۵۰ درصد است که بیانگر کیفیت پایین روابط دانشجویان با افراد دیگر، محل زندگی و اجتماع‌شان است. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ۶۳/۸ درصد دانشجویان از سلامت روانی نسبی برخوردارند اما باید نگران سلامت روانی ۸۳/۵ درصد از دانشجویان بود؛ در عین حال برخی پژوهشگران (فاضلی، ۱۳۸۳؛ آزاد ارمکی، ۱۳۷۸؛ شارع‌پور و فاضلی، ۱۳۸۹؛ شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۰) پایین بودن میزان انگیزه‌های علمی و توانایی پایین دانشجویان در رشته‌های تحصیلی‌شان را نگران‌کننده می‌دانند.



گرچه تلاش‌های فراوانی صورت گرفته تا به این پرسش که «چرا وضعیت دانشجویان در نظام دانشگاهی ما این‌گونه است؟» پاسخ گویند، ولی پژوهش‌هایی که به بررسی نظام دانشگاهی در ایران پرداخته‌اند تنها جوانبی از نظام دانشگاهی را مد نظر قرار داده‌اند و تاکنون چگونگی گذران دوران دانشگاه، زندگی دانشجویی و وضعیت دانشجویان در ایران، مورد مطالعه قرار نگرفته است. ما در این پژوهش قصد داریم برای پاسخ به این پرسش، از رویکرد نظری تحلیل هویت‌ها استفاده کنیم. بنابراین مسئله تحقیق، تبیین وضعیت فعلی دانشجویان دانشگاه مازندران مبتنی بر دیدگاه نظری تحلیل هویت است. بر این اساس، سؤال پژوهش این است که هویت حرفه‌ای دانشجویان چگونه بر ساخته می‌شود و چه ابعادی دارد؟

### مرور ادبیات تجربی تحقیق

برخلاف توجهات نظری و پژوهش‌های تجربی فراوانی که در خارج از کشور در رابطه با هویت حرفه‌ای و چگونگی شکل‌گیری آن انجام شده است، در داخل کشور هیچ گزارشی در این مورد یافت نشد؛ لذا در اینجا تنها به برخی از تحقیقات خارجی اشاره می‌شود.

پیرسون<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) ضمن بررسی الگوهایی از تفاوت جنسیتی در فرایند شکل‌گیری هویت حرفه‌ای، اظهار می‌دارد زنان نسبت به مردان هویت حرفه‌ای ضعیف‌تری دارند. همچنین

1. Pearson, F.C.

پژوهش پیرسون بیانگر آن است که توسعه هویت حرفه‌ای و هویت شخصی برای مردان به طور همزمان ولی تجربه زنان متفاوت است؛ یعنی هویت حرفه‌ای زنان در فرایندی متمایز نسبت به هویت فردی آنان شکل می‌گیرد. نتایج پژوهش کیگان<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) بر اساس مدل ماریسا بیانگر آن است که هویت حرفه‌ای به توسعه دیگر ابعاد هویت کمک می‌کند. بر این اساس، توسعه هویت حرفه‌ای دانشجویان، خودارزیابی آنها را بهبود می‌بخشد و دانشجویان تصور بهتری از خود، کسب می‌کنند.

مطالعات لیزو و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) گویای آن است که درک و نگرشی که دانشجویان از محیط دانشگاه، کلاس درس و رشته خود دارند، در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای آنان اثر مستقیم دارد. آنان دریافتند که افزایش خودکارآمدی در نتیجه زندگی حرفه‌ای افزایش یافته و منجر به گسترش هویت حرفه‌ای شده است. اسکوریکو و وندرراک<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) در بررسی رابطه بین توسعه هویت حرفه‌ای و هویت کلی، نتیجه گرفتند که شکل‌گیری هویت حرفه‌ای نقش مهمی در شکل‌گیری هویت جوانان دارد.

باکستر ماگولدا<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) بیان می‌کند که «یکی از اهداف اصلی آموزش عالی برای آماده کردن شهروندان برای مشارکت مؤثر در جامعه معاصر است». وی در مطالعه‌ای طولی، توسعه هویت حرفه‌ای دانشجویان را بررسی نمود و مشاهده کرد تعداد کمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه قادر به انجام انتظارات جامعه هستند و دانشجویان عملکردهای مورد انتظار را ندارد. او متوجه شد که دانشجویان بیشتر در وضعیت تعلیق قرار دارند. پس از آن با درگیر شدن در فعالیت‌های مرتبط با حرفه خود، توانستند هویت خویش را توسعه بخشند. نتایج پژوهش مذکور بیانگر آن است که اگر دانشجویان در طول سال‌های تحصیل بتوانند در فعالیت‌های مرتبط با رشته خود مشارکت کنند، می‌توانند هویت خود را توسعه داده و در مواجهه با انتظارات جامعه معاصر نیز عملکرد خوبی داشته باشند. در عین حال، آموزش عالی با توسعه هویت حرفه‌ای دانشجویان، اهداف فردی را متعادل می‌کند.

همچنین واترمن<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) بیان می‌کند که برنامه‌های درسی اثر مستقیمی بر روی شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانشجویان دارد. پژوهش کارلون و جانسون<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) تأثیر مستقیم جایگاه، نقش



1. Kegan
2. Luzzo et al.
3. Skorikov and Vondracek
4. Baxter Margolda, M.
5. Waterman, A. S.
6. Carlone and Johnson

علمی دانشجو و نیز میزان درگیر بودن دانشجو در دانش علمی را بر هویت علمی و حرفه‌ای دانشجویان نشان می‌دهد و نیز تأثیر تفاوت‌های جنسیتی و قومی را در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای تأیید می‌کند. همچنین، *فایرفیلد - آرتمن*<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) دریافتند که فرایند شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانشجویان، متأثر از هویت جنسی آنان و نیز شبکه‌های اجتماعی و روابط آنان به‌ویژه با محیط دانشگاه و نیز رشته تحصیلی آنان است.

به‌طور کلی، تحقیقات پیشین با دو رویکرد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، هویت حرفه‌ای دانشجویان را بررسی کرده‌اند. این پژوهش‌ها، از طریق پیمایش‌های مقطعی با استفاده از پرسش‌نامه و نیز با استفاده از روش تحقیق کیفی و به‌کارگیری مصاحبه‌های گروهی، ساختاریافته و نیمه‌ساختاریافته، صورت گرفته‌اند. جمع‌بندی یافته‌های این پژوهش‌ها گویای آن است که جنسیت، فضاهای فیزیکی مرتبط با دانشجویان، فعالیت‌های مرتبط با رشته، موفقیت‌های علمی، شبکه‌های اجتماعی، رشته تحصیلی، میزان درگیر بودن فرد در فعالیت‌های مرتبط با رشته تحصیلی و پذیرش اجتماعی نقش‌های مرتبط با رشته، مهم‌ترین متغیرهایی هستند که فرایند توسعه و شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانشجویان را تقویت می‌کنند.



### برساختن هویت حرفه‌ای در زندگی دانشجویی

گذران دوره دانشگاهی، برای برخی از دانشجویان تجربه‌ای چهارساله است که با رسیدن به اتمام سطح کارشناسی، به پایان می‌رسد و برخی دیگر از دانشجویان با ورود به دوره‌های تحصیلات تکمیلی مدت زمان بیشتری از آن را تجربه می‌کنند. در عین حال روزمرگی دانشجویی را نمی‌توان و نباید به گذران زمانی دانشگاه محدود کرد زیرا از خلال مقوله‌های شناختی-ادراکی و سپس از خلال کنش‌های متقابل فرایندهای مناسکی، گذار برای ورود به دانشگاه حضوری دائم در زندگی فرد می‌یابد (فکوهی، ۱۳۸۷: ۶۰). افراد این توانایی را دارند که جنبه‌هایی از هویت خود را تحت تأثیر افزایش دانش و آموزش و تحت تأثیر سازمان‌های اجتماعی و حرفه خود تغییر دهند (بیرگیت ایگین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۵۴). بر این اساس، زندگی دانشجویی که می‌توان آن را به فضاهای مشخصی از قبیل خوابگاه و همه مختصات ساختاری، فرهنگی، روانی آن؛ کلاس‌ها، اساتید، رابطه زندگی دانشجویی و خانواده، زیستن در غربت، گروه‌های دانشجویی، دوستان و غیره تقسیم‌بندی کرد، نقشی اساسی در شکل دادن به هویت حرفه‌ای دانشجویان دارد.

1. Fairfield-artman, P.
2. Birgitte Eggen, A.

همچنین عناصری از گذشته دانشجویان همچون روزهای مدرسه و برداشت‌ها و شناخت‌های آنها از دانش در ساختن هویت حرفه‌ای دانشجویان حائز اهمیت هستند. بنابراین همه عناصری که بر مسیر زندگی دانشجویان تأثیر گذاشته‌اند در شکل‌گیری آنچه امروز هستند نقش داشته‌اند. برای درک هویت حرفه‌ای دانشجویان می‌توان از ابعاد متعددی استفاده کرد. در این پژوهش بر بعد علمی یعنی هویت علمی دانشجویان تأکید شده است. مفهوم هویت علمی این امکان را به ما می‌دهد تا بدانیم مؤلفه‌های علم و کنش علمی در ساختار هویتی دانشجویان چه جایگاهی دارد و چه نقشی ایفا می‌کند. بر این اساس مشخص می‌شود که چقدر وجه علمی فرد می‌تواند موجب شناسایی او باشد. هرچه مؤلفه هویت علمی در میان مؤلفه‌های سازنده هویت دانشجو نقش محوری‌تری ایفا کند، تکاپو برای رشد علمی در فرد جدی‌تر خواهد بود؛ از این رو باید دید چه چیزهایی به تصورات دانشجویان درباره دانش، رابطه زندگی و دانش و علم، دانشمند بودن، ارزش دانش و دانشجو بودن شکل داده‌اند.



### مفهوم هویت و هویت حرفه‌ای دانشجویان

سیمون<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) هویت را جایگاهی در اجتماع توصیف می‌کند. افراد جایگاه‌های متفاوت زیادی را در اجتماع به خود اختصاص می‌دهند. آنها دانشجو، پرستار، پزشک جراح، خانه‌دار، کارمند، راننده، فوتبالیست و مانند اینها هستند. برخی از اینها، جایگاه‌هایی انحصاری هستند که تنها توسط شمار اندکی از افراد اشغال شده‌اند؛ اعضای تیم فوتبال یک نمونه است. سایر جایگاه‌ها فراگیر و دربرگیرنده افراد زیادی هستند مانند آسیایی‌ها. برخی جایگاه‌ها به صورت دوجانبه انحصاری هستند مانند مردانه-زنانه. برخی از آنها جایشان از قبل مشخص است مانند ایرانی بودن و برخی از آنها برشی از بین جایگاه‌هاست. مانند زن و دانشجو (ر.ک: ترنر، ۱۹۹۹؛ تاجفل و ترنر، ۱۹۸۶). تمام این نقش‌ها و جایگاه‌های متفاوت را یک فرد به واسطه هویت فردی خود اشغال می‌کند. در همان زمان، هر جایی که یک فرد اشغال می‌کند در اشتراک با سایر افراد است. افراد، دانشجو بودن و یا ایرانی بودن را به‌تنهایی تجربه نمی‌کنند. آنها در بخشی از هویت‌ها با سایرین در اشتراک هستند و لذا از این طریق هویت جمعی شکل می‌گیرد. بنابراین هویت فردی در همان زمان، اغلب هویت جمعی است (اسنو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴: ۳۶۴).

1. Simon, B.
2. Snow et al.

بر اساس این روایت، دانشجویان به شیوه‌های متفاوتی از جمله ممکن است با جنسیت (زن یا مرد بودن)، عضویت در گروه (گروه‌های قومی)، روابط با دیگران (خانواده، عضویت در اجتماع مذهبی و غیره)، و یا نقش‌های گوناگون که آنها برعهده گرفته‌اند (دانشجو بودن)، خودشان را تعریف می‌کنند (فایرفیلد - آرتمن، ۲۰۱۰). یکی از ابعاد هویت دانشجویی بر اساس نقشی که افراد در جامعه به عنوان دانشجو به عهده می‌گیرند، تعریف می‌شود. این بُعد همان هویت علمی دانشجوی است که بیانگر جایگاه یا وضعیت علمی و یا پذیرش نقش علمی دانشجو و نیز گرایش دانشجو به علم است (کارلون و جانسون، ۲۰۰۷). هویت دانشجویی را می‌توان یکی از مؤلفه‌های هویت حرفه‌ای به شمار آورد زیرا دوران تحصیل فرد در مدرسه و دانشگاه را بخشی از فرایند شکل‌گیری هویت حرفه‌ای شخص در نظر گرفته‌اند (لینگ و موریس، ۱۹۸۹؛ استراسر و همکارانش، ۲۰۰۶؛ دانیل سن و همکارانش، ۲۰۰۰؛ مونسون و ساویکاز، ۱۹۹۹؛ لاپان، ۲۰۰۴؛ زیلمر - گیمبک و همکاران، ۲۰۰۲؛ کروگر، ۲۰۰۰). بنابراین حرفه دانشجو با توجه به نقشی که به عهده می‌گیرد، علم‌آموزی، اندیشه‌ورزی و تولید علم است.

عوامل برساننده هویت حرفه‌ای دانشجویان را باید درون متن زندگی دانشجویی جست‌وجو کرد. در ارزیابی هویت دانشجویی باید دید که آگاهی و تحلیل فرد از خودش به عنوان یک دانشجو چیست و چه درکی از عضویت در یک دانشگاه دارد (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹). دانشجو در بازاندیشی یا خوداندیشی مداومی که در ارتباط با دانشگاه (نهادهای مدرن با آموزه‌های مدرن) و سابقه ذهنی، فرهنگی و اجتماعی (نهادهای سنتی که فرد در دل آنها رشد یافته و هنوز با آنها در ارتباط است) خود دارد، چگونه هویت خویش را برمی‌سازد. در واقع هویت حرفه‌ای دانشجویان در محیط دانشجویی و آنچه زندگی دانشجویی را می‌سازد، شکل می‌گیرد (شمیر و کارک، ۲۰۰۴ به نقل از قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۳). این هویت را باید در روایتی که دانشجو از زندگی خویش به عنوان دانشجو دارد، به دست آورد.

## روش پژوهش

به منظور بررسی فرایند شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانشجویان، جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، با استفاده از روش پژوهش کیفی<sup>۲</sup> و مبتنی بر نظریه مبنایی صورت گرفته است. جدول شماره ۱ بیانگر مبنای روش پژوهش حاضر است.

1. Context
2. Qualitative Research



### جدول شماره ۱. مبانی روشی تحقیق

هدف پژوهش	پرسش پژوهش	استراتژی پژوهش	روش جمع‌آوری داده‌ها
اکتشافی: کشف پدیده‌هایی که چندان قابل درک نبوده است: - ویژگی‌های زندگی دانشجویی - معانی ذهنی دانشجویان درباره دانشگاه، تحصیل و علم - شناسایی متغیرهای مهم در رابطه با هویت حرفه‌ای دانشجویان - ارائه فرضیه‌هایی برای پژوهش در مورد هویت حرفه‌ای دانشجویان	هویت حرفه‌ای دانشجویان چگونه بر ساخته می‌شود؟ هویت حرفه‌ای دانشجویان چه ابعادی دارد؟	تحقیق موردی	مصاحبه: - نیمه ساخت یافته - روایی - گروهی مشاهده مشارکتی

### جمعیت تحقیق، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جمعیت تحقیق شامل همه دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران مشغول به تحصیل در ترم دوم سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری موارد مطلوب<sup>۱</sup> (گال، بورگ، و گال ۱۳۸۸) از دانشکده علوم پایه، دانشکده علوم اجتماعی و دانشکده هنر و معماری، تعداد ۷ دانشجوی کارشناسی و ۱۲ دانشجوی کارشناسی ارشد در مصاحبه‌های انفرادی، ۱۰ دانشجوی کارشناسی و ۵ دانشجوی کارشناسی ارشد در مصاحبه‌های گروهی، نمونه پژوهش را تشکیل دادند. تصمیم‌گیری برای پایان نمونه‌گیری مبتنی بر ایده اشباع نظری است (ر.ک: فلیک، ۱۳۸۸: ۱۴۰)؛ یعنی مصاحبه‌ها تا رسیدن به داده‌های تکراری - جایی که چیز جدیدی به دست نیاید - ادامه یافته است.

گردآوری داده‌ها در مصاحبه‌های انفرادی با استفاده از روش مصاحبه روایی انجام گرفت. بر این اساس، روایت افراد از خودشان به عنوان دانشجو بازخوانی و از این طریق فرایند شکل‌گیری هویت حرفه‌ای آنها در دوره دانشجویی بر اساس تجربیات‌شان در زندگی روزمره، مشخص شده است. سپس برای کنترل کیفیت گردآوری داده‌ها و نیز بسط دامنه موقعیت مصاحبه، سه مصاحبه گروهی با رویکرد هدایت و کنترل پویا<sup>۲</sup> تعاملات انجام شد، زیرا گروه، اعتبار دیدگاه‌ها و جملات بیان‌شده را ارزیابی می‌کند و به ابزاری برای بازسازی نظرات شخصی به شکلی مناسب‌تر بدل می‌شود (فلیک، ۱۳۸۸: ۲۱۶-۲۱۲).

تفسیر داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری نظری صورت گرفته است. کدگذاری نظری



1. Intensity Sampling  
2. Steering the Dynamics



عملیاتی است که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکلی تازه در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۲۹). تجزیه و تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌هاست. بر این اساس، داده‌های جدید هم‌زمان با تمام داده‌ها مقایسه می‌شود تا محوریت مطلوب در بین داده‌ها آشکار گردد. داده‌ها به دقت به کوچک‌ترین اجزای ممکن شکسته می‌شوند و تفاوت‌ها و شباهت‌ها مقایسه می‌شود. طبقه‌بندی با اطلاق کدهای جداگانه و مرور مکرر و ادغام کدهای مشابه انجام می‌گیرد تا کدهای اصلی تولید شود. این حرکت قیاسی و استقرایی مداوم بین طبقات با توجه به ویژگی‌ها و مختصات هر طبقه ادامه می‌یابد تا مقوله‌های اصلی و نیز طبقه مرکزی که در بین آنها محوریت دارد، انتخاب شود (ر.ک: استراوس و کوربین، ۱۳۸۷).

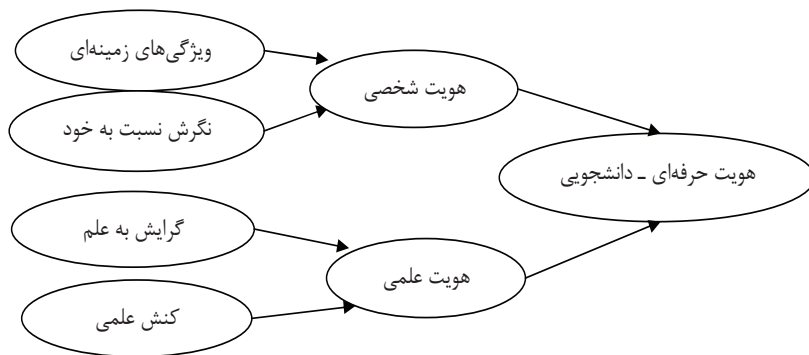
در این پژوهش، پایایی بر اساس رویه تحقیق<sup>۱</sup> است؛ یعنی از طریق مقایسه یافته‌های تحقیق و نیز تکوین و تحلیل داده‌ها به نحوی که مشخص باشد کدام گزاره متعلق به فرد مورد مطالعه و کدام یک تفسیر محقق است (فلیک، ۱۳۸۸: ۴۱۳). ارزیابی اعتبار به روش ارتباطی و نیز روش افزایش عینیت‌پذیری<sup>۲</sup> صورت گرفته است (فلیک، ۱۳۸۸: ۴۲۰-۴۱۴). یعنی داده‌ها به طور مداوم بررسی می‌شدند<sup>۳</sup> و در عین حال با تخصیص زمان کافی به مصاحبه‌شونده و نیز با انجام مصاحبه در زمان‌های متفاوت و در چند مرحله، مصاحبه‌شونده امکان بازسازی تجارب زیسته خود را داشته و در روایت داستان زندگی دانشجویی، این امکان برای مصاحبه‌شونده فراهم می‌شد که همه تجارب زیسته خویش را در اختیار مصاحبه‌کننده قرار دهد. همچنین بررسی در زمان‌های مداوم امکان بازخورد به داده‌ها را فراهم نموده و از این طریق مصاحبه‌شونده‌ها با مرور دست‌نوشته‌ها<sup>۴</sup> در رسیدن به داده‌های عینی نقش فعالی داشته‌اند.

### یافته‌های پژوهش

در فرایند مصاحبه‌ها مفاهیم ظهور می‌یافتند؛ از مقایسه این مفاهیم مقوله‌ها روشن می‌شدند و از این طریق محقق به قضایا و گزاره‌هایی در رابطه با چگونگی برساختن هویت حرفه‌ای دانشجویان دست می‌یافت. در نهایت روند افزایش تدریجی و انباشتی اکتشاف در مصاحبه‌ها محقق را به مدل تحقیق رهنمون ساخته است. در ادامه با شرح مقوله‌ها و متغیرهای اصلی، مدل تحقیق توضیح داده می‌شود.

1. Procedural Reliability
2. Ability Confirm
3. Prolonged Engagement
4. Member Check





نمودار شماره ۱. مدل کلی نظریه مبنایی درباره هویت دانشجویی

### مراحل سنجش و کدگذاری داده‌ها

جدول شماره ۲ با استفاده از مفاهیم نظری تحلیل هویت‌ها و همچنین با توجه به مشاهدات و مصاحبه‌های اکتشافی تعریف شده است. در جدول مزبور، مفاهیم، ابعاد و مؤلفه‌های هویت حرفه‌ای دانشجویان نمایش داده شده‌اند. بر این اساس سعی شده چگونگی جریان شکل‌گیری مفاهیم، ابعاد و مؤلفه‌ها در خلال مصاحبه‌ها روشن شود. همچنین در این جدول مدل به‌دست‌آمده از طریق روش نظریه مبنایی به‌خوبی درک می‌شود. پژوهش‌های پیشین (فایرفیلد - آرتمن، ۲۰۱۰؛ کارلون و جانسون، ۲۰۰۷؛ ترلا موری، ۲۰۰۳؛ باکستر ماگولدا، ۱۹۹۹ و ۱۹۹۸؛ واترمن، ۱۹۸۹؛ پیرسون، ۱۹۸۹) نیز فرایند شکل‌گیری هویت حرفه‌ای را بر اساس جدول زیرین تأیید می‌کنند.

جدول شماره ۲. فرایند سنجش و مقوله‌بندی داده‌ها

متغیر	ابعاد (مقوله‌ها)	مؤلفه‌ها	معرف‌ها
هویت حرفه‌ای دانشجویان	هویت شخصی	ویژگی‌های زمینه‌ای نگرش نسبت به خود	طبقه اجتماعی اقتصادی، خانواده، همسالان، جنسیت، قومیت تصور فرد از خودش به عنوان یک دانشجو و تصور فرد از تصور دیگران نسبت به خودش
	هویت علمی	گرایش به علم	حس تعلق و وابستگی نمادین به محیط علمی و انسان‌های اطرافشان، خوابگاه، دانشگاه و اجتماع‌های علمی، علاقه به رشته تحصیلی، انگیزه‌های شغلی، شناخت فرد از رشته‌اش، انگیزه‌ها و اهداف علمی، تلاش‌های فرد برای کسب موفقیت علمی (دوران پشت کنکور و نیز در دوران دانشجویی)
		کنش علمی	مطالعه کتاب‌های علمی، عضویت در انجمن‌های علمی، شرکت در کنفرانس‌ها و سخنرانی‌ها و نشست‌های علمی، داشتن تألیفات علمی، ارتباط علمی با اساتید یا پژوهشگران



## عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانشجویان

از لحاظ تئوری، هویت حرفه‌ای به وسیله فعالیت‌ها، تجربیات فرد و تنوعی از عوامل فردی (مانند شخصیت و جنسیت) و زمینه‌ای (مانند خانواده، گروه همسالان، موقعیت اجتماعی و اقتصادی) و همچنین تعامل بین آنها شکل می‌گیرد (اسکاریکیو و واندرسک، ۱۹۹۸). عوامل زمینه‌ای، می‌تواند اثرات مستقیمی بر هویت از طریق کلیشه‌های اجتماعی، ساختار فرصت‌ها و محدودیت‌های محیطی داشته باشند. در عین حال، متغیرهای زمینه‌ای می‌توانند اثرات غیرمستقیمی بر شکل‌گیری هویت از طریق تنظیم جهت و مجموعه‌ای از فعالیت فردی اعمال کنند (اسکوارتز و همکاران، ۲۰۱۱).

### ۱. ویژگی‌های زمینه‌ای

**پایگاه اجتماعی و اقتصادی:** از طریق ساختارها و محدودیت‌های محیطی و اجتماعی، انگیزه‌ها، اندازه و گستردگی شبکه‌های اجتماعی، باورها و ارزش‌ها، توانایی و امکان مشارکت در فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی، رویکرد خانواده به ادامه تحصیل و تصور فرد از خودش بر شکل‌گیری هویت حرفه‌ای تأثیرگذار است (اسکاریکیو و واندرسک، ۱۹۹۸؛ میل و آشفورث، ۱۹۹۵). به عنوان نمونه، معنا و انگیزه تحصیل برای افراد با پیشینه اجتماعی و اقتصادی متفاوت به صورت‌های مختلف بیان شده است. م. ۳ پسر بیست و پنج‌ساله دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی می‌گوید: «در یک خانواده شلوغ و پرجمعیت به دنیا آمدم. دوران کودکی پر از مشقت و سختی را داشتم. دورانی که اصلاً نمی‌خواهم بهش فکر کنم. در خانواده مذهبی از قشر متوسط به پایین و تقریباً فقیر جامعه به دنیا آمدم... در مسجد محله‌مان درس می‌خواندم، به‌شدت هم تلاش می‌کردم و تمام آرزویم آمدن به دانشگاه بود چون فکر می‌کردم با آمدن به دانشگاه همه‌چیز تمام است و من صاحب شأن اجتماعی می‌شوم. به‌شدت تلاش می‌کردم. فقط می‌خواستم یک شغل به دست بیاورم». ب. پسر بیست و پنج‌ساله دانشجوی کارشناسی ارشد آمار می‌گوید: «من یک برادر دارم که دو سال از من بزرگ‌تر است و به همراه پدر و مادرم زندگی می‌کنیم. گذشته‌ام را خیلی دوست دارم. خاطرات کودکی من بسیار خاص است. لحظه‌هایی که هرکدامشان برایم سرشار از شادی است. دوستان خوب کودکی، بازی‌های

1. Skorikov and Vondracek

2. Schwartz et al.

۳. در گزارش تحقیق فقط حرف اول نام دانشجویان را می‌نویسیم تا امانت‌داری و رازداری را رعایت کرده باشیم.



کودکی، دويدن در کوچه باغ‌ها، فوتبال، بازی‌های کامپیوتری و غیره. بزرگ‌تر که شدیم دوستانمان خودمانی‌تر شدند. برای خودم گروه خاصی داشتم... دانشجوی هستم و شغل دیگری ندارم. وضع اقتصادی‌مان خوب است. در واقع راضی هستیم، همه خانواده راضی‌اند».

**خانواده و همسالان:** نفوذ دیگران مهم، همواره عامل مهمی در روند توسعه هویت در نظر گرفته شده است. ولی یافته‌های پژوهش‌های پیشین هیچ الگوی ثابتی را در ارتباط با ویژگی‌های خانوادگی و شبکه روابط فرد با هویت شغلی نشان نمی‌دهند (اسکوارتز و همکاران، ۲۰۱۱). در عین حال، پژوهش میبوس (۱۹۹۳) نشان می‌دهد حمایت‌های ارائه‌شده توسط دوستان دبیرستانی، پیشرفت در جهت هویت شغلی موفق را تسهیل می‌کند و همچنین اثرات همسالان به طور مداوم در محیط تحصیل و کار پس از فارغ‌التحصیلی مهم باقی می‌ماند. تأثیر همسالان بر هویت حرفه‌ای از نظر تقویت متقابل در گروه همسالان تفسیر شده که به طور معمول علائق و سلیقه شغلی و اهداف شغلی مشابه دارند (اسکوارتز و همکاران، ۲۰۱۱). پژوهش حاضر نقش مستقیم خانواده و همسالان را در توسعه هویت حرفه‌ای دانشجویان تأیید می‌کند. به عنوان نمونه، ن. دختر بیست‌ویک‌ساله دانشجوی کارشناسی الهیات می‌گوید: «والدینم فشارها را به این سمت می‌بردند که تا مقاطع بالاتر تحصیلاتم را ادامه بدهم، این در حالی بود که من ادامه تحصیل را بیهوده می‌دانستم. حرف زدن با دوستانم، و صحبت‌های خواهر بزرگ‌ترم که در تحصیلات و زندگی‌اش موفق بود، انگیزه‌ام را برای ادامه تحصیل تقویت می‌کرد». وع. پسر بیست‌وهفت‌ساله دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت می‌گوید: «احساس می‌کنم خانواده‌ام اعتبار بیشتری برای حرف‌هام و کارهام قائل می‌شوند. مخصوصاً از زمانی که ارشد قبول شدم. با پذیرفته شدن در مقطع ارشد ارتباط با دوستانم نیز همین تغییر را کرده و فکر می‌کنم در میانشان از ارزش بالاتری برخوردار شده‌ام».

**جنسیت:** ورود به دانشگاه برای دختران و پسران دارای معانی متفاوتی است و هر یک انگیزه‌های خاصی دارند. به عنوان نمونه آ. دختر بیست‌وسه‌ساله دانشجوی کارشناسی معماری می‌گوید: «می‌خواستم زندگی مستقلی داشته باشم. آدم خودم باشم و آقا بالاسر نداشته باشم. اینجا که هستم آزادترم. در ضمن می‌توانم همسر مناسبی برای خودم پیدا کنم. می‌دونید اینجا انتخاب‌ها متنوع‌ترند. منظورم اینه که نمونه‌های بیشتری هستند که وارد زندگی‌ات می‌شوند. خوب آره، می‌تونن یه مدت ارتباط داشته باشی و اگه تفاهم نداشتید باز می‌تونید انتخاب کنید. می‌خوام بگم کلاً مزیتش برای من احساسیه که به خاطر داشتن استقلال به آدم دست میده. فقط



باید به خودت توضیح بدی. به مشکلاتی هم هست. مثلاً اینکه آگه خوابگاهی باشی و اینا که اونم با گرفتن یه خونه شخصی برطرف شدنیه». ن. پسر بیست و هفت ساله دانشجوی کارشناسی مهندسی صنایع می‌گوید: «پشت کنکور ماندم و خیلی چیزها را از دست دادم. شاید دانشجوی شدم تا از مسئولیت زندگی شانه خالی کنم، شایدم می‌خواستم از بیکاری فرار کنم یا بیکاری را به تعویق بیندازم. برای اینکه بتونی شغلی به دست بیاری وقتی هیچی نداری باید درس بخونی. پسرا هستند که باید نان آور خانه باشند. نمی‌دونم باید کار کنم یا درس بخونم. سردرگم. خیلی‌ها که دانشگاه نیومدن موفق‌تر بودند». همین‌طور ع. پسر بیست و هفت ساله دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی می‌گوید: «در مورد شرایط دانشجوی شدنم باید بگویم هدف خاصی نداشتم. تحصیل در دانشگاه را همانند تحصیلات مدرسه‌ای نوعی تحصیل واجب و عادی برمی‌شمردم. از دلایل دیگر می‌تونم فرار از رفتن به سربازی در سن پایین را عنوان کنم که البته بعداً شرایطی در قانون ایجاد شد که از سربازی معاف شدم پس اینجا پشیمون نیستم. هدف نداشتم از تحصیل موجب شد تا در رشته‌ای که اصلاً مورد علاقه‌ام نبود در دوره کارشناسی (مهندسی معدن) ادامه تحصیل بدهم». یافته‌های تحقیقات پیشین نیز تفاوت در انگیزه‌ها و اهداف دختران و پسران برای ورود به دانشگاه را نشان می‌دهند (فکوهی، ۱۳۸۷؛ هاشمی و جوادی یگانه، ۱۳۸۷؛ ناهوندی، ۱۳۸۷).



## ۲. نگرش نسبت به خود

**تصور از خود و تصور از دانشجوی خوب:** دانشجویان بیشتر از خودشان به عنوان یک دانشجو، تصور خوبی ندارند. آنها با برشمردن ویژگی‌هایی که از یک دانشجوی خوب انتظار دارند، فاصله زیادی را میان خودشان با یک دانشجوی خوب ارزیابی می‌کنند. به عنوان نمونه، ز. دختر بیست و شش ساله دانشجوی کارشناسی ارشد می‌گوید: «تصوری که قبلاً از دانشجو داشتم با تصویری که در حال حاضر دارم کاملاً متفاوت است. قبلاً دانشجویها رو خیلی فرهیخته‌تر تصور می‌کردم ولی الان دانشجویها رو افرادی بی‌هدف و بی‌کار می‌بینم که تنها تلاش‌شون اینه که مدرک بگیرن و این دوره رو سپری کنند. سعی می‌کنم خودم توی اون دسته دوم نباشم ولی وقتی به کارها و سطح سوادم نگاه می‌کنم خودم رو هم متأسفانه توی همون دسته می‌بینم. حداقل در دوره لیسانس تنها هدفم اتمام دوره تحصیلی بود. الان هم از نظر سطح سواد به شدت احساس ضعف می‌کنم و بیشتر از همه خودم رو مقصر می‌دونم، اما با این تفاوت که قصدم

اتمام دوره نیست بلکه بالا بردن توانایی‌ها و اطلاعاتم در زمینه رشته‌ام هست... مشخصات یک دانشجوی خوب می‌تونه تلاش، جست‌وجو، پیگیری، علاقه داشتن به رشته، اهل فکر و اندیشه بودن، اهل مطالعه بودن و غیره باشه. یک دانشجو باید مانند نامی که بر او هست، به دنبال دانش و علم باشه نه اینکه منتظر باشه که کسی این دانش رو تقدیمش کنه. هرچند محیط و اطرافیان نقش مهمی در انتقال علم به دانشجو دارن ولی اگر این موارد در یک دانشجو نباشه، معمولاً دانش به طور ناقص منتقل می‌شه یا اینکه دانشی رد و بدل نمی‌شه. من خودم رو یک دانشجوی خوب نمی‌بینم. چون اون قدر که لازم هست برای کسب دانش تلاش نکرده‌ام و علاقه‌ای که لازم هست رو به رشته ندارم، هرچند سعی‌ام بر اینه که دانشجوی خوبی باشم».

ع. پسر بیست‌وچهارساله کارشناسی مدیریت جهانگردی می‌گوید: «دانشگاه را دوست دارم، اینجا آزادترم، اینجا دیگه کسی نیست که بهت گیر بده، اما تصورم این بود که یه آدم متفاوتی می‌شم. نمی‌دونم چرا با اینکه آزادترم، فاصله‌ام با خواسته‌هام زیادتر شده... حتی فکر می‌کنم نمی‌تونم یه دانشجوی خوب باشم... یه دانشجوی خوب در بند نمره نیست، تحقیقات علمی انجام می‌ده، فعاله و تو درس منفعل نیست اما من وقتم بیهوده می‌گذره و به هیچ وجه خوب نیستم...».

### ۳. گرایش به علم

**اشتغال:** تغییرات جاری در دنیای کار پیامدهای مهمی را برای درک شرایط فعلی شکل‌گیری هویت حرفه‌ای و ایفای آن به همراه دارد. این تغییرات افراد را ناچار می‌کند تا از طریق تحصیلات طولانی مدت برای به دست آوردن یک شغل مناسب، تخصص و مهارت لازم را کسب کنند. در واقع در بسیاری موارد، داشتن مدرک تحصیلی لازمه به دست آوردن شغل محسوب می‌شود؛ از این رو به علت تغییرات وسیع و سریع در شرایط اجتماعی و اقتصادی، الزامات تحصیلی و الگوهای شغلی، به دست آوردن موفقیت و رضایت شغلی منوط به یک تلاش فردی برای به دست آوردن هویت حرفه‌ای است؛ با این حال، یافته‌های اخیر به وضوح نشان می‌دهند که توسعه هویت حرفه‌ای مثبت و قابل انعطاف از لحاظ اقتصادی برای جوانان محروم و اقلیت که با موانع حرفه‌ای قابل توجهی مواجه هستند، بسیار مهم است و با موقعیت‌شان در درون جامعه در ارتباط است (اسکوارتر و همکاران، ۲۰۱۱). به عنوان نمونه، ف. دانشجوی پسر بیست‌و پنج ساله دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیک می‌گوید: «مثل خیلی



از دانشجویان در پی تمام کردن درس و پیدا کردن یک شغل مناسب و تا حدودی متناسب با رشته‌ام هستم. خیلی آرزوهای بزرگ و غیر قابل دسترس برای خودم متصور نشده‌ام که در صورت نرسیدن به آن جایگاه، افسوس آن را داشته باشم. چون از یک خانواده متوسط بوده‌ام». ص. پسر بیست و چهار ساله دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری می‌گوید: «مهم‌ترین دغدغه من نگرانی درباره پیدا کردن یک شغل خوبه؛ اگه یک شغل خوب با درآمد خوب و کافی بتونم پیدا کنم بیشتر مشکلاتم حل می‌شه و می‌تونم در آینده تحصیلاتم رو نیز ادامه بدم. یک دانشجوی مهم‌ترین مشکلش مشکل مالیه. بیشترشون دلشون می‌خواد که ادامه تحصیل بدن، امکانات آموزشی خوبی داشته باشن و در دانشگاه با یک فرد مناسبی برخورد می‌کنن که دلشون می‌خواد باهاشون ازدواج کنن، اما به علت مشکلات مالی و مبهم بودن شرایط آتی شون نمی‌تونن جلو برن و سردرگم می‌مونن».

**خوابگاه و ظهور قومیت‌گرایی:** با پذیرش دانشجو در رشته و شهری غیر از محل سکونت وی و خانواده‌اش، ضرورت مهاجرت برای ادامه تحصیل و زندگی در شرایط متفاوت و به دور از سایر اعضای خانواده اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در این شرایط، بسیاری از خانواده‌ها و نیز دانشجویان، خوابگاه‌های دانشجویی دولتی را که تحت مدیریت و نظارت دانشگاه هستند، به عنوان مکان زندگی خود ترجیح داده و انتخاب می‌کنند. تجربه زندگی خوابگاهی برای یک دانشجو همراه با خاطره‌ها و نیز فرصت‌ها و چالش‌های روحی، روانی و اجتماعی است. فرد هویتش را در نسبت با فضای تربیتی و شرایط زندگی پیش از دوران دانشجویی از طریق شبکه روابطی که برای وی فراهم بود، شکل می‌دهد. ولی حالا او کلیت زندگی‌اش را در معرض نمایش دیگرانی می‌بیند که خانواده‌اش نیستند. اغلب اوقات یک روز مجموعه وسیعی از آدم‌ها با وضعیت سنی و جنسی مشابه او، حرکات او را نظاره‌گر هستند. این شباهت‌ها نخستین چیزی است که او را مجبور می‌کند، برای نشان دادن وجوه تمایز شخصیت خود تلاش کند؛ بنابراین از طریق یک مکانیسم هویت‌یابی فعال‌شده و قوی، فرد می‌خواهد آنچه را خود می‌انگارد در معرض نمایش بگذارد.

خوابگاه فضایی است برای گذران نیازهای روزانه، این فضا به قدری تهی از بار معناست که فرد برای احراز هویت خود نه به عوامل موجود در این فضا بلکه از طریق توسل به تجربه‌های گذشته‌اش می‌کوشد تمایزها و یا شباهت‌هایش را آشکار کند. به طور معمول شکل‌گیری شبکه‌های روابط در خوابگاه بر اساس اشتراک در دو عنصر قومیت و رشته تحصیلی



صورت می‌گیرد. احساس عدم امنیت نسبت به هر چیزی، مهم‌ترین وضعیت وجودی است که دانشجویان در بدو ورود به خوابگاه درک می‌کنند. در این شرایط فرد می‌کوشد به گذشته رجوع کند و با بازآفرینی گذشته تعریفی از خود در فضای جدید به دست آورد؛ از این رو تشکیل گروه‌های هم‌شهری، هم‌قوم، هم‌زبان و هم‌نژاد در فضای خوابگاه بسیار معمول و مرسوم است. در این شرایط آن دست از افراد که گذشته‌شان در این فضای فرهنگی مسدود شده، مورد پذیرش واقع نمی‌شوند و کسانی که توان مرور و جرح و تعدیل گذشته را ندارند و نیز اقلیت‌ها، طردشدگانی محسوب می‌شوند که جایی برای بروز شایستگی‌های فردی‌شان نمی‌یابند. شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی بر مبنای مناسبت‌های قومی و نیز تعلق‌های مکانی به فرد این امکان را می‌دهد تا هویتش را شکل دهد (اسپنسر و لی، ۱۹۸۸)، اما در عین حال می‌تواند از موانع توسعه هویت حرفه‌ای محسوب شود (کارلون و جانسون، ۲۰۰۷).

به عنوان نمونه، ن. دختر بیست‌ودو ساله دانشجوی کارشناسی الهیات می‌گوید: «توی خوابگاه مجبور شدیم یاد بگیریم که با افراد مختلف باید برخورد‌های مختلف داشته باشیم. برقراری یک رابطه متعادل با سه نفر دیگر که در ابتدا غریبه‌ایم کار دشواری است، اما ما روزهای زیادی را باید با هم سپری می‌کردیم. پس یکدیگر را بیشتر شناختیم و نزدیک‌تر شدیم. دیرخوابی، شادی‌های پر انرژی، درس نخواندن، گلایه کردن از اساتید و دعوا بر روی شستن ظرف‌ها، اتفاق‌هایی هستند که شاید هرگز برای ما تکرار نشوند». ص. پسر بیست‌وهفت‌ساله دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری می‌گوید: «اولین دفعه‌ای بود که از خانواده‌ام جدا می‌شدم. یادمه وقتی با پدرم وسایلم و داخل اتاق گذاشتیم، پدرم با بغض طرف من اومد و منو بغل کرد. اولین باری بود که پدرم داشت منو بغل می‌کرد. من هم اشک تو چشمم جمع شده بود و می‌خواستم گریه کنم و صدام از گلوم در نمی‌ومد. بالاخره پدرم رفت و من توی اتاق تنها موندم و کلی واسه دوری از خانواده غصه خوردم. بعد از این لحظه، دیگه پخته شدم. هفته‌های اول خیلی به خونه می‌رفتم، اما بعد دو ماه دیگه کم می‌رفتم تا جایی که ماهی یک‌بار می‌رفتم. در دوران دانشجویی یاد گرفتم با بچه‌های دیگه در اون فرصتی که برام پیش اومده بود رابطه دوستی برقرار کنم. قبل از کنکور من خیلی آدم خشک و منزوی‌ای بودم اما بعد از دانشگاه کلی فرق کردم و روابط اجتماعی‌ام بالا رفت؛ طوری که بچه‌های خوابگاه میگفتن تو اون ص. نیستی که اوایل بودی، خودمم خوب این قضیه رو می‌دونستم... به طور کلی، من توی خوابگاه خیلی تجربه‌ها کسب کردم. راجع به انواع مسائل اجتماعی، فرهنگی، علمی و غیره با دوستان





صحبت می‌کردم و مطلب یاد می‌گرفتم... به هویت قومی خودم نیز در این محیط بیشتر آگاهی پیدا کردم و نسبت به زبان و فرهنگ خودم که قبل از دانشگاه به اون بی‌اعتنا بودم، حساس‌تر شدم و الان نسبت به آن خودمو مسئول می‌دونم و حداقل خودمو جزئی از آن می‌دونم و با اون خودمو میشناسم و در مقابل دیگران که زبان و فرهنگم رو مورد تمسخر قرار می‌دن، واکنش و موضع‌گیری نشون می‌دم».

پ. پسر بیست‌وهشت‌ساله دانشجوی کارشناسی ارشد تربیت بدنی می‌گوید: «دانشگاه که پذیرفته شدم، نگرانی خانواده‌ام در مورد وضعیت خوابگاه و هم‌خانه‌ای‌هایم زیاد بود. سال اول که خوابگاه ندادن و تعدادی از هم‌مهری‌ها و هم‌استانی‌های خودم رو پیدا کردم که با هم یه خونه گرفتیم. سال بعد بیشتر هم‌رشته‌ای بودیم. بعد از اون که خوابگاهی شدم، بیشتر با اونایی بودم که مثل خودم بودند. منظورم اینه که گویشمان یکی بود و فرهنگ نزدیک‌تری داشتیم».

م. دختر بیست‌وشش‌ساله دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی: «اون روزهای اول خیلی سخت بود. خیلی احساس تنهایی می‌کردم. تجربه خوابگاه رو نداشتم. اونایی که قدیمی‌تر بودن با هم صمیمی بودن. با هم ارتباط داشتند و من نمی‌تونستم برای خودم دوستی پیدا کنم. هم اتاقی‌هایم از قبل با هم آشنا بودند. همیشه با گویش خودشون حرف می‌زدند. من اصلاً متوجه حرف‌های اونان نمی‌شدم. مجبور شدم اتاقم رو تغییر بدم».

#### ۴. کنش علمی

**ارتباط با اساتید:** ارتباط خوب و زیاد با استاد برای دانشجویان معانی متفاوتی را در بر دارد. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های شناسایی هویت علمی در روابط استاد و دانشجو قابل درک باشد. دانشجویان برای پذیرفته شدن توسط اساتیدشان ملزم می‌شوند توانایی‌های علمی خود را ارتقا دهند. به عنوان نمونه، ی. پسر بیست‌وپنج‌ساله دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی می‌گوید: «برخورد اساتید ما خوب است اما من انتظارات بیشتری از آنها دارم... برای اینکه بتوانم با اساتیدم رابطه بهتری داشته باشم وقت زیادی اختصاص داده‌ام برای بودن در محیط دانشگاه، کتابخانه و آزمایشگاه...». همچنین، ب. دختر بیست‌وچهارساله دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی می‌گوید: «با اساتید ارتباط زیادی نداشتم. واسه یه عده‌ای شون احترام فوق‌العاده‌ای قائلم و یه عده رو هم حس می‌کنم و می‌فهمم که به خاطر یک‌سری ساختارها تو این جایگاه هستند. اما فکر می‌کنم شاید دوره ارشد، اساتید با توجه بیشتری برخورد می‌کنند».



روی مسائل و پرسش‌ها مومن بیشتر وقت می‌گذارند. برای این فکر می‌کنم ما هم مقید شدیم که بیشتر وقت بگذاریم».

**ارتباط با محافل و انجمن‌های علمی:** بخش‌های خاصی از محیط‌ها، گونه‌های مشخصی از رفتارها را عملی و امکان‌پذیر می‌سازند. محافل علمی و انجمن‌های دانشجویی می‌توانند فرصت‌هایی برای مشارکت‌های علمی و پذیرش نقش‌های علمی فراهم آورند. اما در عین حال، تجارب زیسته دانشجویان بیانگر آن است که ساختارهای دانشگاه، امکان گسترش شبکه‌های اجتماعی با زمینه‌های علمی را بسیار محدود کرده است. به عنوان نمونه، پ. پسر بیست و دو ساله دانشجوی کارشناسی پژوهشگری می‌گوید: «عضو انجمن علمی گروه‌مان هستم. به عنوان دبیر انجمن. بله، سراسر تجربه بود. با دوستان که واقعتش را بخواهید همیشه سر مسائل علمی بحث است، اما از نوع سیاسی‌اش. واقعاً که این گفت‌وگوها به نظرم شیرین‌ترین تجربه‌های یک دانشجوی است. ما به لحاظ محدودیت‌هایی که داشتیم، شاید این گفت‌وگوهای شبانه همراه با سیگار و چایی و قلیان، آزادانه‌ترین فرصتی بود برای تبادل افکار». ب. دختر بیست و چهار ساله دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی می‌گوید: «در رابطه با دانشگاه حس خوبی ندارم. خبر از هیچ انجمن یا گروه یا تشکلی که فعال باشه نیست. انگار هیچ‌کس هیچ شور و حالی نداره. هیچ فعالیت متنوعی نمی‌بینم. فکر می‌کنم فضای بیش از اندازه آرامی داره». همچنین ب. پسر بیست و پنج ساله دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی می‌گوید: «یک دوره مسئول هسته علمی دانشکده بودم. خیلی چیز جالبی نبود. فقط کارهای بی‌فایده. اگر هم بخواهی یک کار خوب انجام دهی، هزار تا مشکل درست می‌کنند و هیچ کمکی نمی‌کنند. البته هزار تا مشکل درست می‌کنند اغراقه، در واقع باید گفت همان هیچ کمک نمی‌کنند. مثلاً من بچه‌ها را می‌بردم تالار بورس ساری برای آشنایی با سهام، نحوه انتخاب سهام و غیره. اگه بدونی چه مکفاتی سر همین قضیه داشتیم. همش با مسئولاش درگیر بودم. هرچی می‌گفتی یه بهانه‌ای می‌آوردند».

**گرایش نسبت به رشته تحصیلی:** پژوهش‌های پیشین (ویلسون، ۲۰۱۱؛ لویکس و همکاران، ۲۰۰۸؛ برزونسکی، ۲۰۰۸) ضمن بررسی سبک‌های هویت و عواملی که بر توسعه هویت حرفه‌ای مؤثرند بر تعهد به حرفه، علاقه، اهداف، انگیزه‌ها و گرایش به حرفه تأکید داشته‌اند. پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد تصور دانشجویان از خودشان متأثر از گرایشی است که به رشته تحصیلی‌شان دارند. س. دختر بیست و هفت ساله دانشجوی کارشناسی ارشد زبان



1. Luyckx et al.
2. Berzonsky



و ادبیات فارسی می‌گوید: «از اینکه این رشته را انتخاب کردم احساس بدی ندارم. چون با علاقه آن را انتخاب کرده بودم و الان هم پشیمان نیستم. در انتخاب رشته به دیگران گوشزد می‌کنم فقط اگر علاقه دارند انتخاب کنند. از نظر خودم ارزشمند است، ولی اینکه برای رشته‌های انسانی بسترسازی مناسبی صورت نگرفته و ایجاد اشتغال نشده است، تا حدودی من و امثال من را دچار نگرانی کرده است. البته برداشت اطرافیان نسبت به رشته من و اکثر رشته‌های انسانی برداشت خوبی نیست و این مسئله تا حدودی مرا آزار می‌دهد». همچنین، ب. پسر بیست و پنج ساله دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی می‌گوید: «بیشتر علاقه‌ام به رشته‌های ریاضی و فیزیک بود. من به نوعی نابغه ریاضی بودم. با اینکه اصرار کردند برم به رشته ریاضی، من نرفتم چون خیلی سطح دانشگاه را بالا می‌دیدم. فکر می‌کردم حتی من هم نمی‌تونم از پس رشته ریاضی بریام. برای همین به رشته فیزیک رفتم. البته فیزیک من هم فوق‌العاده بود. سه ترم فیزیک خوندم. شاگرد اول بودم ولی تغییر رشته دادم به اقتصاد. چون از دید من آنچه تدریس می‌شد فیزیک نبود. خیلی کم‌استرس بود... من اول فیزیک می‌خوندم. اون رشته رو دوست داشتم ولی احساس می‌کردم تو دانشگاه خیلی بد درس میدن. خیلی بد. واسه همین ولش کردم. اقتصاد و آغاز کردم. اقتصاد خیلی خوبه، تو ایران هم بدک نیست، چون اکثر مطالب ترجمه هست. ولی خوب، از محیط دانشگاهی که دارم توش درس می‌خونم راضی نیستم. به دیگران اقتصاد رو توصیه می‌کنم ولی نه توی ایران و مازندران».

**اهداف و انگیزه‌ها:** احساس هویت با یک حرفه نیاز به استمرار حضور در یک حرفه و احساس مسئولیت بالا نسبت به آن دارد. هاسکت و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۱: ۳۹۶-۳۹۲)، اظهار داشته‌اند، افرادی که به شدت درگیر حرفه خود هستند، حرفه خود را به عنوان بخش مهمی از هویت شخصی‌شان، در نظر می‌گیرند. علاوه بر این، افرادی که وابستگی بالایی به حرفه خود دارند، بیشتر علایق خود را وقف حرفه خود می‌کنند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، اهداف و انگیزه‌های دانشجویان یا مرتبط با رشته تحصیلی‌شان نیست و یا اینکه فرد این احساس را دارد که دانشگاه پاسخ‌گوی اهداف و انگیزه‌هایش نیست. به عنوان نمونه، ن. پسر بیست و هفت ساله دانشجوی کارشناسی مهندسی صنایع می‌گوید: «دانشجو شدنمان به خاطر رسیدن به همه‌چی و هیچی بود! اول فکر می‌کردم با دانشجو شدن و شکستن غول کنکور به همه چیز رسیدم ولی در واقع به هیچ‌جا که نرسیدم هیچ، خیلی چیزها رو هم از دست دادم». همچنین، ب. پسر بیست و پنج ساله

1. Hackett et al.

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی می‌گوید: «دانشگاه برایم خیلی بزرگ بود. یعنی مقامش بسیار بسیار بالا بود. البته منظورم دست‌نیافتنی نیست... هدفم دکترا بود. نه الزاماً در یک دانشگاه فوق‌العاده... الان دانشگاه‌هایی که در ایران می‌بینم برایم خیلی کوچک هستند. کاملاً برایم شبیه اداره هستند. برای همین الان هدفم رفتن به یک دانشگاه خوب در خارج از کشور است... نگرانی من فقط اینه که نتونم توی یک دانشگاه خوب خارج از کشور واسه دکترا پذیرش بگیرم. آخه هم باید دنبال درس باشی، هم مقاله، هم زبان خارجه و هم مشکلات رفتن مثل سربازی».

**دوران پشت کنکور:** سیستم گزینشی ورود به دانشگاه‌ها، سیستمی نخبه‌گرایانه است که هدف خود را در گفتمانی شایسته‌سالارانه متبلور می‌کند و عقلانیت خود را بر اساس منطق رابطه هزینه/سود در موقعیتی که منابع و امکانات به اندازه کافی وجود ندارد، توجیه می‌کند. همین گفتمان نوعی ارزش‌گذاری اجتماعی را ایجاد می‌کند که ورود یا عدم ورود به دانشگاه در آن سبب بالا رفتن یا کاهش پرستیژ اجتماعی برای خود فرد و در نهایت برای خانواده او می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۷: ۵۸). به عنوان نمونه، ح. پسر بیست و چهارساله دانشجوی کارشناسی پژوهشگری می‌گوید: «...رقابت درسی خیلی شدید بود؛ مخصوصاً کنکور. از تابستان سال سوم دبیرستان آغاز کردیم با دو تا از دوستان با شوق و ذوق فراوان بدون هیچ‌گونه مشغله فکری. واقعاً کم‌کاری نکردم. همان سال اول پذیرفته شدم دانشگاه» و ص. پسر بیست و هفت‌ساله دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی می‌گوید: «قبل از کنکور خیلی اشتیاق داشتم تا دانشگاه قبول بشم. عاشق سینه‌چاک دانشگاه بودم. همیشه عکس دانشگاه تهران را که روی اسکناس‌های پنجاه تومانی بود تماشا می‌کردم و آرزو می‌کردم روزی به این دانشگاه برم. واسه قبولی هم خیلی تلاش می‌کردم و در تخیلاتم که خیلی انجام می‌دادم، فکر می‌کردم دانشگاه تهران در رشته حقوق قبول می‌شم. آخه اون موقع همه بچه‌های دبیرستان یا معلم‌ها و مدیر دبیرستان می‌گفتن که بهترین رشته که پول زیادی داره برای رشته علوم انسانی، همون حقوقه. من واسه رسیدن به این هدفم خیلی تلاش می‌کردم. حتی یادمه که چون توی آشنا و همسایه‌ها اولین فردی بودم که می‌خواست کنکور بده، همه آشنایان و فامیل روی من و نتیجه کنکورمانور می‌دادن، من هم واسه خواسته اون‌ها هم که شده بود، از جون و دل تلاش می‌کردم...» س. دختر بیست و سه‌ساله دانشجوی کارشناسی ادبیات می‌گوید: «وقتی پشت کنکور بودیم، خیلی تحت فشار بودیم. حتی خانواده هم کلی استرس داشت» و / پسر بیست و دو ساله دانشجوی کارشناسی معماری می‌گوید: «پدر و مادرم بیشتر از خودم نگران کنکور بودند».



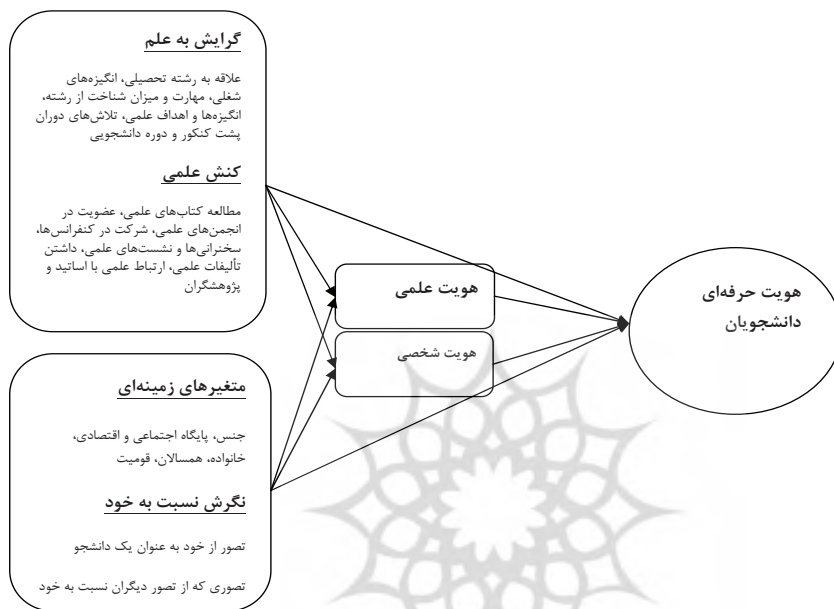


**تلاش‌های علمی:** فعالیت و مشارکت افراد در امور مربوط به حرفه و شغل‌شان، در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای آنان بسیار مؤثر است. بر این اساس، افرادی که تلاش‌های بیشتری برای کسب شایستگی‌های حرفه‌ای انجام می‌دهند، به میزان بیشتری موفقیت در حرفه خود را تجربه می‌کنند (لیزو و همکاران، ۱۹۹۶). پژوهش حاضر بیانگر آن است که تلاش‌های علمی دانشجویان محدود است و این مسئله ریشه در ساختارهای دانشگاه و شبکه‌های اجتماعی دانشجویان دارد. به عنوان نمونه، ع. پسر بیست‌وهفت‌ساله دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی می‌گوید: «من به غیر از کار پایان‌نامه تقریباً کار علمی دیگه‌ای نداشتم. البته این پایان‌نامه رو هم همیشه نام کار علمی روش گذاشت، ۹۰ درصد کپی پیسته. شاید اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان همین‌طور باشند. اونا هم که کار علمی کردند آگه ازشون پرسید مطمئناً پشیمان هستند چون اینجا جایی نیست که کار علمی کرد و برای اینطور کارا و این افراد ارزشی قائل نمی‌شن...». ز. دختر بیست‌وشش‌ساله دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری می‌گوید: «... کارهایی که تاکنون انجام داده‌ام بر اساس مطالعات و الگوبرداری از مقالات و تحقیقات دیگران بوده و چندان از کمک اساتید استفاده نکردم... دسترسی نداشتن به منابع دست اول و مرتبط با موضوعات مورد نیازم، مشکل دسترسی به اینترنت، نبود همکاری بین دانشجویها برای انجام پژوهش، حمایت نشدن از سوی سازمان‌ها، عدم پاسخگویی صحیح مردم به پرسشگران، نداشتن تجربه کافی، تداخل و همزمانی انجام تحقیقات با موضوعات درسی کاملاً متفاوت که منجر می‌شد تمرکز لازم در انجام آنها وجود نداشته باشه، بی‌اطلاعی از برخی همایش‌ها و سمینارها، عدم پذیرش مقالات دانشجویان توسط مجله‌ها و صرفاً پذیرش مقالات اعضای هیئت علمی، مشکلاتی هستن که من باهاشون برخورد داشتم...».

### مدل استخراج‌شده از یافته‌های تحقیق

مدل نظری تحقیق (نمودار شماره ۲)، از طریق اکتشاف در معانی ذهنی دانشجویان و با استفاده از روش نظریه مبنایی به دست آمده است. مفاهیم، ابعاد و معرف‌ها در هر مرحله از تحقیق به صورت انباشتی، ما رو به مدل تحقیق رهنمون شدند. بر این اساس، در فرایند کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها، دو بعد هویت علمی و هویت دانشجویی از هم متمایز شدند. مؤلفه‌های گرایش به علم و نیز کنش علمی بیانگر هویت علمی دانشجویان (کارلون و جانسون،

۲۰۰۷؛ استراسر و همکارانش، ۲۰۰۶؛ ترلا موری، ۲۰۰۳) و مؤلفه‌ها و ویژگی‌های زمینه‌ای و نگرش نسبت به خود، بیانگر هویت شخصی هستند که در برساختن هویت دانشجویی مؤثرند (استراسر و همکارانش، ۲۰۰۶؛ لاپان، ۲۰۰۴؛ زیلمر - گیمبک و همکاران، ۲۰۰۲؛ دانیل سن و همکارانش، ۲۰۰۰؛ کروگر، ۲۰۰۰؛ مونسون و ساویکاز، ۱۹۹۹).



## نمودار شماره ۲. مدل استخراج شده از تحقیق

مدل نظری تحقیق طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به دست آمده است. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم متعددی استخراج شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری مفاهیم به دست آمده به صورت خوشه‌های متکثر زیر ۲۱ مقوله (علاقه به رشته تحصیلی، انگیزه‌های شغلی، مهارت علمی، میزان شناخت از رشته، انگیزه‌ها و اهداف علمی، تلاش‌های دوران پشت کنکور و دوره دانشجویی، مطالعه کتاب‌های علمی، عضویت در انجمن‌های علمی، شرکت در کنفرانس‌ها، سخنرانی‌ها و نشست‌های علمی، داشتن تألیفات علمی، ارتباط علمی با اساتید و پژوهشگران، جنس، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، خانواده، همسالان، قومیت، تصور از خود به عنوان یک دانشجو و نیز درک، شناخت و احساس دانشجو بودن) قرار گرفتند. در مرحله کدگذاری انتخابی مقوله‌های جدید (گرایش به علم، کنش علمی، متغیرهای زمینه‌ای و

نگرش نسبت به خود) به دست آمد. در این مرحله، از طریق روابط تعمیم یافته میان مقوله‌ها و نیز مقایسه‌های رفت و برگشتی میان مقوله‌ها و مفاهیم، قضایا و وضوح پیدا نموده و با کشف مقوله‌های اصلی (هویت شخصی، هویت علمی) نظریه زمینه‌ای تکوین یافته است. در نهایت، روابط میان مقوله‌های فرعی با مقوله اصلی آشکار و مدل نهایی نظریه مبنایی به دست آمد. از این رو مدل نهایی حاصل آمده از رویش نظریه مبنایی نشان می‌دهد هویت حرفه‌ای دانشجویان دارای دو بعد هویت علمی و هویت شخصی است.

### نتیجه‌گیری

شکل‌گیری هویت، فرایندی پیوسته در تمایز تعهدات فردی و اجتماعی است که بازتابی از ترکیب خلاقانه‌ای از شخصیت فرد و محیط اجتماعی اوست. هرگاه شخصیت فرد یا محیط اجتماعی او تغییر کند امکان بازسازی و تغییر هویت او نیز وجود دارد (گروته و انت، ۱۹۹۸). پژوهش حاضر شکل‌گیری هویت حرفه‌ای را در میان دانشجویان دانشگاه مازندران مبتنی بر روش تحقیق کیفی و با استفاده از روش نظریه مبنایی بررسی کرده است. بر این اساس، در رابطه با پرسش تحقیق و اینکه هویت حرفه‌ای دانشجویان چگونه بر ساخته می‌شود، یافته‌های پژوهش حاضر - همان‌طور که پژوهش‌های پیشین (کارلون و جانسون، ۲۰۰۷؛ استراسر و همکارانش، ۲۰۰۶؛ کوک و همکاران، ۲۰۰۳؛ کروگر، ۲۰۰۰) نیز تأیید می‌کنند - نشان می‌دهد هویت حرفه‌ای، یک هویت اجتماعی است و در ارتباط با دیگران و از طریق یادگیری و آموزش عملی و تجارب حرفه‌ای ایجاد می‌شود. برای دانشجویان، آغاز رسمی حرفه اجتماعی، همزمان است با آغاز مطالعات‌شان و نیز از طریق آموزش‌های عملی مربوط به رشته‌شان، شکل‌گیری هویت حرفه‌ای آنها تشدید و تقویت می‌شود. در پژوهش حاضر هویت حرفه‌ای با استفاده از دو بعد هویت علمی و هویت شخصی معرفی و شناسایی شده است.

نتایج پژوهش پیش رو نشان می‌دهد متغیرهای زمینه‌ای و نگرش نسبت به خود، بر هویت شخصی و گرایش به علم و کنش‌های علمی بر هویت علمی دانشجویان مؤثر هستند. پژوهش‌های پیشین (فایرفیلد - آرتمن، ۲۰۱۰؛ کارلون و جانسون، ۲۰۰۷؛ استراسر و همکارانش، ۲۰۰۶؛ کوک و همکاران، ۲۰۰۳؛ فایسون، ۲۰۰۳؛ کروگر، ۲۰۰۰؛ باکستر ماگولدا، ۱۹۹۸؛ لیزو و همکاران، ۱۹۹۶) نیز این یافته‌ها را تأیید می‌کنند. بر این اساس، یافته‌های پژوهش حاضر



نشان می‌دهد موفقیت‌های آموزشی اغلب منعکس‌کننده پیشینه اجتماعی شخص است و انگیزه و معنای تحصیل برای دانشجویان متناسب با پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت است. در حالی که دانشجویان دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین ادامه تحصیل را محرکی اجتماعی و اقتصادی ارزیابی می‌کنند و تصور می‌کنند از طریق کسب مدارک دانشگاهی می‌توانند موقعیت بهتری در مناسبات اجتماعی کسب کنند، دانشجویان دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتر، ادامه تحصیل را وسیله‌ای برای تثبیت جایگاه خود در مناسبات اجتماعی می‌دانند و سعی می‌کنند از این طریق ارزش‌های زیبایی‌شناختی مرتبط با طبقه خود را تقویت کنند.

نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که دانشجویان از طریق حمایت‌هایی که از طرف خانواده و یا دوستان دریافت کرده‌اند، انگیزه‌ها و اهداف متعالی‌تری را در زمینه تحصیلات و حرفه‌شان نشان داده‌اند و پیشرفت بهتری در تحصیلات خود داشته‌اند. دانشجویان می‌خواهند از طریق تحصیلات و کسب مهارت‌های مرتبط با رشته تحصیلی خود، امکان تأمین نیازهای زندگی خود را به واسطه یک شغل دلخواه، فراهم کنند. به دست آوردن موفقیت و رضایت شغلی منوط به تلاشی فردی برای کسب هویت حرفه‌ای است. همچنین ورود به دانشگاه برای مردان و زنان دارای معانی متفاوتی است و هریک انگیزه‌ها و اهداف خاصی را دنبال می‌کنند. دختران از طریق ادامه تحصیلات در پی کسب آزادی‌های فردی هستند و از این طریق سعی دارند استقلال اجتماعی کسب کنند، ولی کسب مدارک تحصیلی و ادامه تحصیل برای مردان بیشتر جنبه اقتصادی دارد. همان‌طور که اسکوارتز و همکارانش (۲۰۱۱) اظهار داشته‌اند، توسعه هویت حرفه‌ای با موقعیت فرد در درون جامعه در ارتباط است؛ از این رو، جنس، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، حمایت‌های خانواده و دوستان، محیط و شبکه‌های اجتماعی فرد در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای متغیرهای اساسی به شمار می‌روند.

بر اساس اظهارات آزمودنی‌ها، به نظر می‌رسد شکل‌گیری شبکه‌های روابط در خوابگاه‌های دانشجویی بر اساس دو عنصر قومیت و رشته تحصیلی صورت می‌گیرد. احساس عدم امنیت نسبت به هر چیزی، مهم‌ترین وضعیت و جود است که دانشجویان در بدو ورود به خوابگاه درک می‌کنند. در این شرایط فرد می‌کوشد به گذشته رجوع کند و با بازآفرینی گذشته، تعریفی از خودش در فضای جدید به دست آورد؛ از این رو تشکیل گروه‌های هم‌شهری، هم‌قوم، هم‌زبان و هم‌نژاد در فضای خوابگاه بسیار معمول و مرسوم است. بر این اساس، تشدید گرایش‌هایی نظیر قوم‌گرایی و بی‌توجهی به صلاحیت‌های حرفه‌ای در میان آزمودنی‌ها مشاهده





شده است. مشارکت‌های اجتماعی و علمی، شرکت در محافل علمی، درگیری در امور مربوط به رشته تحصیلی، علاقه به رشته تحصیلی و اهداف علمی نیز از طریق تصویری که فرد از خودش پیدا می‌کند و نیز به واسطه تصویری که دیگران از فرد پیدا می‌کنند و بازخورد این تصور به فرد، در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانشجویان مؤثرند.

در یک پژوهش کیفی، هدف کشف معانی ذهنی کنش‌گران است و قصد پژوهشگر شناسایی فراوانی‌ها در جامعه آماری نیست (ر.ک: فلیک، ۱۳۸۸). ما تلاش نمودیم تا از طریق کشف معانی ذهنی دانشجویان دانشگاه مازندران در رابطه با زندگی دانشجویی، علم‌آموزی و زندگی خوابگاهی، به درکی از شرایط زندگی دانشجویی دسترسی پیدا کنیم. به نظر می‌رسد بجز بررسی مداوم ساختارها که به شکلی دست‌وپاشکسته در آسیب‌شناسی جامعه علمی ایرانی انجام می‌شود، واکاوی فرد و هویت علمی او می‌تواند در حل بحران‌های این عرصه مفید فایده افتد. همچنین بررسی مداوم نگرش‌های فردی نسبت به زوایای مختلف علم می‌تواند راهگشای انجام اقدامات اصلاحی باشد.

از طریق اکتشاف در معانی ذهنی دانشجویان با استفاده از روش نظریه‌مبنایی، ما به یک مدل نظری در رابطه با هویت حرفه‌ای دانشجویان دست یافتیم. مفاهیم، ابعاد و معرف‌ها در هر مرحله از تحقیق به صورت انباشتی، ما را به مدل تحقیق رهنمون می‌شدند. لذا ما دریافتیم که هویت حرفه‌ای دانشجویان متأثر از فضاهای زندگی دانشجویی است؛ از این رو مشخص شد برجسته‌ترین ابعاد هویت دانشجویی، هویت علمی و نیز هویت شخصی دانشجویان است. هویت علمی دانشجویان از طریق گرایش‌ها و نگرش‌ها و نیز تلاش‌ها و کنش‌های علمی دانشجویان قابل درک است. هویت شخصی نیز درک و تصویری است که دانشجو از خودش به عنوان یک کنشگر علمی و در محیط دانشگاهی به دست می‌آورد. همچنین هویت شخصی تابع ویژگی‌های زمینه‌ای دانشجویان است. خاطر نشان می‌شود عنصر قومیت در هویت دانشجویان برجستگی خاصی دارد. دریافت ما این بود که زندگی خوابگاهی یکی از عوامل مؤثر بر گرایش‌های قومی قوی در میان دانشجویان به شمار می‌رود و فضای فرهنگی خوابگاه و دانشگاه که تکثر فرهنگ‌ها را برنمی‌تابد یکی از عوامل تشدیدکننده آن است. بر این اساس، شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اشتراکات غیر مرتبط با حرفه فرد، از موانع شکل‌گیری و توسعه هویت حرفه‌ای محسوب می‌شود.

مدلی که در این پژوهش به دست آمد فرضیه‌های مناسب و قابل سنجشی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد تا از آن طریق هویت حرفه‌ای دانشجویان را مورد سنجش و مطالعه



قرار دهند. در واقع، هدف اصلی این تحقیق که تهیه فرضیه‌های مناسب به منظور سنجش هویت حرفه‌ای دانشجویان و نیز کشف معانی ذهنی دانشجویان در رابطه با زندگی دانشجویی بود، به عنوان مطالعه‌ای اکتشافی زمینه‌مناسبی را برای طرح این موضوع در مجامع علمی فراهم می‌کند.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۶

دوره پنجم  
شماره ۲  
تابستان ۱۳۹۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## کتابنامه

- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۷)، *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌های مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، مترجم: بیوک محمدی، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران*، تهران: کلمه.
- باقری، شهلا (۱۳۸۷)، «علوم انسانی - اجتماعی از بحران تا بومی‌سازی: انتقادات و راهکارها»، *فصلنامه حوزه و دانشگاه، روش‌شناسی علوم انسانی*، سال ۱۴، شماره ۵۴.
- حسین چاری، مسعود و محمدمهدی فداکار (۱۳۸۴)، «بررسی تأثیر دانشگاه بر مهارت‌های ارتباطی بر اساس مقایسه دانش‌آموزان و دانشجویان»، *دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار*، دانشگاه شاهد، سال ۱۲، شماره ۱۵.
- زارعی متین، حسن و ناصر توره (۱۳۸۶)، «دانشگاه و هویت دانشجویی»، *فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی*، سال ۱۱، شماره ۳۵.
- شارع‌پور، محمود و محمد فاضلی (۱۳۸۹)، «آموزش جامعه‌شناسی و بینش جامعه‌شناختی»، *دانشنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۳.
- شارع‌پور، محمود، صادق صالحی و محمد فاضلی (۱۳۸۰)، «بررسی میزان تسلط بر شایستگی‌های کانونی در دانشجویان ایرانی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۸.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۴)، *مدیریت فرهنگی دانشگاه‌ها در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴*، تهران: اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۳)، «بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا: مطالعه‌ای انسان‌شناختی در علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی در ایران»، *نامه انسان‌شناسی*، دوره ۱، شماره ۳.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷)، «آینده‌اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی در ایران (مدلی برآمده از نظریه مبنایی)»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۰.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۷)، «نگاهی انسان‌شناختی بر تجربه زندگی روزمره دختران دانشجو در ایران»، *مجموعه مقالات همایش عوامل و پیامدهای فزونی ورود دختران به دانشگاه*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸)، *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، مترجم: هادی جلیلی، تهران: نی.
- قلی‌پور، آریز؛ ندا محمد اسماعیلی و فتانه قلی‌پور (۱۳۸۹)، «مدیریت هویت: شناسایی راهکارهای تقویت هویت اجتماعی زنان در نهادهای آموزشی»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۸، شماره ۱۴۰.
- کوثری، مسعود (۱۳۷۷)، «کفایت نظری مفاهیم در انسان‌شناسی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۱.
- نصرت‌آبادی، مسعود؛ محسن جوشن‌لو؛ فاطمه محمدی؛ خدیجه شاه‌محمدی (۱۳۸۹)، «آیا دانشجویان ایرانی در حال شکوفایی هستند؟»، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، سال هفتم، شماره ۲۵.
- نهادندی، مریم (۱۳۸۷)، «دستیابی دختران به دانشگاه برای کسب موفقیت اجتماعی بهتر»، *مجموعه مقالات*



همایش عوامل و پیامدهای فزونی ورود دختران به دانشگاه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران. هاشمی، سید ضیاء و محمدرضا جوادی یگانه (۱۳۸۷)، «تبیین کارکردی افزایش نسبت دختران در دانشگاه»، مجموعه مقالات همایش عوامل و پیامدهای فزونی ورود دختران به دانشگاه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.

Baxter Margolda, M. (1999), "Constructing adult identities", *Journal of College Student Development*, 40 (6).

Berzonsky, M. (2008), "Identity formation: The role of Identity Processing Style and Cognitive Processes", *Personality and Individual Differences*, 44.

Birgitte Eggen, Astrid (2004), *Alfa and Omega in Student Assessment; Exploring Identities of Secondary School Science Teachers*, Institutt for Iærerutdanning og skoleutvikling Universitetet I Oslo.

Carlone, Heidi B. & Angela Johnson (2007), "Understanding the Science Experiences of Successful Women of Color: Science Identity as an Analytic Lens", *Journal of Research in Science Teaching*, 44(8).

Cook T.H. & Gilmer M.J. & Bess C.J. (2003), "Beginning students' definitions of Nursing: an Inductive Framework of Professional Identity", *Journal of Nursing Education*, 42(7).

Fairfield-Artman, Patricia (2010), "Narratives of Female ROTC Student-Cadets the Postmodern University", *A dissertation Submitted to the Faculty of The Graduate School at The University of North Carolina at Greensboro*.

Faison K. (2003), "Professionalization in a distance learning setting", *ABNF Journal*, url:[http://www.findarticles.com/p/articles/mi\\_m0mjt/is\\_4\\_14/ai\\_106699874/pg\\_2](http://www.findarticles.com/p/articles/mi_m0mjt/is_4_14/ai_106699874/pg_2) (assessed august 10th 2010).

Hackett, R. D., Lapierre, L. M. & Hausdorf, P.A. (2001), "Understanding the Links Between Work Commitment Constructs", *Journal of Vocational Behavior*, 58.

Kegan, R. (1994), *In over our heads: The mental demands of modern life*, Cambridge, MA: Harvard University Press.

Kroger, Jane. (2000), "Identity development during Adolescence", In G. R. Adams & M. D. Berzonsky (Eds.), *Blackwell Handbook of Adolescence* (pp. 205-226). Malden, MA: Blackwell Publishing Ltd.

Kroger, Jane. (2004), *Identity in Adolescence: The Balance between Self and Other*, New York: Routledge.

Luyckx, K., Schwartz, S., Goossens, L., & Pollock, S. (2008), "Employment, Sense of Coherence, and Identity Formation: Contextual and Psychological Processes on the Pathway to Sense of Adulthood", *Journal of Adolescent Research*, 23.

Luzzo, D. A., Funk, D. P., & Strang, J. (1996), "Attributional Retraining Increases Career Decision Making self efficacy", *The Career Development Quarterly*, 44.

Mael, F. A. & Ashforth, B.E. (1995), "Loyal from day one: Biodata Organizational



Identification and Turnover among Newcomers”, *Personnal Psychology*, 48(2).

Pearson, F. C. (1989), “A Cross-sectional Study of the Relationship between Perry’s Scheme, Marcia’s Identity Statuses, Educational Level and Gender”, *Doctoral dissertation*, The Ohio State University.

Schwartz, Seth J. & Koen Luyckx & Vivian L. Vignoles (2011), *Handbook of Identity Theory and Research*, Springer New York Dordrecht Heidelberg London.

Simon, Bernd (2004), *Identity in Modern Society: A Social Psychological Perspective*, Oxford, UK: Blackwell.

Skorikov, V. & Vondracek, R.W. (1998), “Vocational identity development: Its relationship to other identity domains and to overall identity development”. *Journal of Career Assessment*, 6(1).

Snow, David A. & Sarah A. Soule & Hanspeter Kriesi (2004), *The Blackwell Companion to Movements*, UK: Blackwell Publishing Ltd.

Turner, John C. (1999), “Some Current Issues in Research on Social Identity and Self-Categorization Theories”, In Naomi Ellemers, Russell Spears, and Bertjan Doojse (eds.), *Social Identity*, UK: Oxford: Blackwell, 6–34.

Waterman, A.S. (1999), “Identity, the identity statuses, and identity status development: A contemporary statement”, *Developmental Review*, 19.

Wilson, Jennifer L. (2011), *Using Identity Processing Styles to Better Understand A Comprehensive Status Model of Identity Development*, published Phd Thesis: in The Graduate Faculty of the University of Akron.

